

چیستی فلسفه

تفکر

- واسطه رسیدن از مجهولات به معلومات
- واسطه رسیدن از پرسش‌ها به پاسخ‌ها
- قدرتی که خداوند در وجود ما قرار داده است.
- سامان دهنده امور انسانی
- لازمه انجام هرکاری

دو مرتبه از تفکر

۱- تفکر غیرفلسفی

روبه رو بودن با سؤال‌های معمولی روزانه و به دنبال پاسخ آن‌ها بودن

۲- تفکر فلسفی

عبور از مرحله تفکر غیرفلسفی

پرداختن به سؤالات بنیادی با جدیت و پیوسته

هرکسی می‌تواند اهل این نوع تفکر فلسفی باشد.

مراحل تفکر فلسفی

۱- روبه رو شدن با مجهول‌ها و مسئله‌های فلسفی

۲- طرح پرسش‌های فلسفی

۳- رجوع به معلومات و تفکر در اندوخته‌ها و انتخاب مجهولات متناسب با سؤال

۴- رسیدن به دریافت فلسفی و تحقق شناخت و معرفت

دو مرحله از تفکر از نظر ملاصدرا

۱- فطرت اول:

- مشغول بودن به امور عادی زندگی و تفکر در آن‌ها
- ماندن در آن شایسته انسان نیست و باید از آن عبور کرد.

۲- فطرت ثانی:

مرحله برتر و عالی‌تر تفکر است.

کامیاب شدن در آن نیازمند گذر از زندگی روزمره (نه کنار گذاشتن) و تلاش پیوسته و دائمی است.

سه واژه کلیدی

۱- فلسفه

واژه‌ای عربی است.

ریشه یونانی دارد و ریشه یونانی آن فیلسوفیا (فیلو: دوستداری / سوفیا: دانایی) است.

در زمان یونان باستان اختصاص به دانش خاص فلسفه امروزی نداشت و همه دانش‌ها رو شامل می‌شد.

شاید اولین بار فیثاغورث این کلمه رو استفاده کرد.

سقراط این کلمه را عمومی کرد و بر سر زبان‌ها انداخت.

معنای اولیه: دوستداری دانایی / معنای ثانویه: دانش (علت تغییر معنا: ارتقای معنای کلمه فیلسوف از دوستدار دانش به دانشمند)

معنای سوم: یک دانش خاص (فلسفه اولی یا متافیزیک) (علت تغییر معنا: گذشت زمان و پیشرفت دانش ها)

۲- سوفیست

معنای اولیه: دانشمند (در زمان سقراط و قبل از او) / معنای ثانویه: مغالطه کار (بعد از زمان سقراط)

علت تغییر معنا: استفاده از مغالطه در استدلال های سوفیست ها

کلمه سفسطه در عربی به معنای مغالطه کاری از این ریشه است.

ویژگی های سوفیست ها

بیشتر به تعلیم سخنوری و وکالت اشتغال داشتند.

دغدغه آن ها بیان واقع و دفاع از حقیقت نبود.

مهم ترین هدف = پیروزی بر رقیب

در استدلال ها اغلب از مغالطه استفاده می کردند.

برای حقیقت و واقعیت ارزش و اعتباری قائل نبودند.

می گفتند هر کس هر چه خودش بفهمد همان حقیقت و واقعیت است.

سقراط نمی خواست سوفیست باشد، چون: دلیل قطعی: تواضع و فروتنی در برای علم و دانایی داشت. / دلیل احتمالی: نمی خواست با

سوفیست ها هم ردیف باشد بنابراین لقب فیلسوفوس (فیلسوف) رو برای خودش انتخاب کرد.

۳- فیلسوفوس (فیلسوف)

معنای اولیه: دوستدار دانش

معنای ثانویه: دانشمند

علت تغییر معنا: انتخاب این لقب توسط سقراط

تغییر معنای این واژه علتی برای تغییر معنای واژه فلسفه از دوستداری دانایی به دانش شد.

دانش فلسفه

به نتیجه تلاش بشر برای پاسخ قانونمند به سؤال بنیادین طرح شده را دانش فلسفه می گویند.

ویژگی های فلسفه

بررسی بنیادین مسائل (تفاوت اصلی فلسفه با سایر دانش ها)

استفاده از روش عقلی و استدلالی (عقل و عملیات فکری مانند ریاضیات، نه حس و آزمایش و نه بررسی نظرات دیگران)